

Article Type: Conceptual

نوع مقاله: مفهومی

## Criteria and Indicators; Requirement for Cognition, Applying and Evaluating Good Governance in Natural Resources

## معیارها و شاخص‌ها: الزامی برای شناخت، بکارگیری و ارزیابی حکمرانی خوب در منابع طبیعی

M. Payeste<sup>1</sup>, M. Kolahi<sup>2\*</sup>, H. Omranian KHorasani<sup>3</sup>

مرضیه پایسته<sup>۱</sup>، مهدی کلاهی<sup>۲\*</sup>، حمید عمرانیان خراسانی<sup>۳</sup>

1- MSc Student, Faculty of Natural Resources and Environment, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. 2- Assistant Professor, Faculty of Natural Resources and Environment, Water and Environment Research Institute, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. 3- MSc of Water Management, Hydrotech Toos Knowledge-based company, Mashhad, Iran.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی مرتع‌داری، دانشگاه فردوسی مشهد. ۲- استادیار دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، پژوهشکده آب و محیط‌زیست، دانشگاه فردوسی مشهد. ۳- کارشناسی ارشد مدیریت آب، شرکت دانش بنیان هیدروتک توس.

\*(Corresponding Author Email: MahdiKolahi@um.ac.ir)

\*(E-Mail: MahdiKolahi@um.ac.ir)

Received: 21-06-2019

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۳۱

Accepted: 17-12-2019

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۶

### Abstract

### چکیده

In recent decades, "good governance" has attracted the attention of many scientific communities. Each researcher has defined good governance with different dimensions and goals. Different views on good governance have complicated the explanation of criteria and related indicators. Confusion over the selection of good governance criteria, especially in the field of natural resources, has become a major problem for researchers. The main reason for this challenge is to confront of natural resources with both natural and social dimensions. In fact, the contrast between these two dimensions increases the lack of integration, Disaffiliation of the Stakeholders and the lack of managerial holism in the field of natural resources. In this study, good governance criteria have been summarized through library studies using descriptive-analytical method. Then, good governance criteria in natural resource management have been proposed. Understandably, recognizing, applying and evaluating good governance criteria and indicators will improve the state of natural resource management.

در دهه‌های اخیر موضوع «حکمرانی خوب»، توجه مجامع علمی بسیاری را به خود معطوف کرده است. هر یک از محققان، حکمرانی خوب را با ابعاد و اهداف مختلفی تعریف نموده‌اند. تعدد دیدگاه در خصوص حکمرانی خوب موجب پیچیدگی تبیین معیار و شاخص‌های مربوطه شده است. در حال حاضر سردرگمی در خصوص انتخاب معیارهای حکمرانی خوب، به‌ویژه در زمینه منابع طبیعی به یک مشکل اساسی برای محققان تبدیل شده است. دلیل اصلی ایجاد این چالش، مواجهه منابع طبیعی با دو بُعد طبیعی و اجتماعی می‌باشد. در حقیقت تقابل این دو بُعد، باعث می‌شود عدم یکپارچه‌نگری، عدم مشارکت گروداران و عدم جامع‌نگری‌های مدیریتی در زمینه منابع طبیعی، افزایش یابد. در این پژوهش، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و به کمک روش توصیفی-تحلیلی، معیارهای حکمرانی خوب احصاء شده؛ سپس، معیارهای حکمرانی خوب در مدیریت منابع طبیعی پیشنهاد شده است. آنچه مسلم است، شناخت، بکارگیری و ارزیابی معیارها و شاخص‌های حکمرانی خوب، موجب بهبود وضعیت مدیریت منابع طبیعی خواهد شد.

**Keywords:** Integration, Participation, Stakeholders, Holistic.

**واژه‌های کلیدی:** یکپارچه‌نگری، مشارکت، گروداران، جامع‌نگری.

پیچیده بین تعدادی از گروداران با اولویت‌ها و سلايق متفاوت، گرفته می‌شوند. در حقیقت حکمرانی، توافقی را بین اولویت‌ها و سلايق رقیب و متضاد برقرار می‌کند و این، اساس و شالوده مفهوم حکمرانی است (UN-Habitat، ۲۰۰۶). به هر حال، حکمرانی می‌تواند سطوح مختلف (عمومی، جهانی، غیرانتفاعی، شرکتی و غیره) و حوزه‌های مختلف (محیط‌زیستی، فضای مجازی و غیره) یا مدل‌های مختلف (تجربی یا هنجاری؛ چند سطحی، مشارکتی، تنظیمی، مشترک، و غیره) داشته باشد.

در سالیان اخیر، اصطلاح جدیدتری با عنوان «حکمرانی خوب» مد نظر قرار گرفته است و این به واسطه نقش مهمی است که حکمرانی در تعیین سلامت، محیط‌زیست و اجتماع ایفا می‌کند (لشکری‌زاده و اشرفی، ۱۳۸۹). چهار رکن اصلی حکمرانی خوب عبارت‌اند از (۱) بخش دولتی؛ (۲) بخش‌های خصوصی؛ (۳) جامعه مدنی؛ و (۴) سازمان‌های محلی. گروهی از محققان برخی از ویژگی‌های حکمرانی خوب را به صورت ذیل برشماردند:

(الف) تقویت‌کننده ساختارهای دموکراتیک در جامعه  
(ب) تقویت‌کننده شفافیت، پاسخ‌گویی و توسعه مشارکت‌جویانه تمامی گروداران

(ج) به وجودآورنده خط‌مشی‌های مناسب اقتصادی اجتماعی در جهت توسعه پایدار

(د) کمک‌کننده در احترام به قانون و حاکمیت قانونی  
لازم به ذکر است، مفهوم حکمرانی خوب مبتنی بر اصول شفافیت اطلاعات، متناسب با جوامع توسعه‌یافته بوده و بیانگر گرایش سیاسی خاصی می‌باشد که پیاده‌سازی آن در جوامع در حال توسعه با موانعی روبرو است. بنابراین، وجود نوعی شکاف بین دولت و عموم مردم در جوامع در حال توسعه، ریشه در شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دارد که مانع عمده‌ای در تحقق حکمرانی خوب خواهد بود (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲). در این پژوهش تلاش شده، الگوی حکمرانی خوب به عنوان نظریه‌ای نوین در همگرایی نیروها و همچنین پاسخ‌گویی به انتظارات جوامع در حال توسعه در زمینه مدیریت منابع طبیعی تهیه گردد. لذا، بررسی، شناخت و همراه کردن معیارهای حکمرانی خوب در زمینه منابع طبیعی به‌عنوان هدف اصلی این پژوهش است. این الگو می‌تواند راه برون‌رفت از وضعیت فعلی برای مشارکت و بهبود وضع موجود باشد. بدین ترتیب این پژوهش به دنبال پرداختن به موضوع حکمرانی خوب در منابع طبیعی و شناسایی معیارها و شاخص‌های آن می‌باشد؛ چراکه این مسئله در کشور ما با چالش‌های زیادی مواجه است.

یکی از مباحث بسیار مهم که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، موضوع حکمرانی<sup>۱</sup> است. حکمرانی مفهوم جدیدی نیست؛ بلکه قدمت آن به پیشینیان تمدن بشری برمی‌گردد. در حال حاضر موضوع حکمرانی به ویژه در کشورهای در حال توسعه در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (یگانگی و همکاران، ۱۳۹۵). با این حال، معنای ساده حکمرانی، فرآیند تصمیم‌گیری و رویکردی است که به‌وسیله آن، تصمیمات اجرا می‌شوند. در برنامه‌ریزی توسعه سازمان ملل (Khandakar، ۲۰۰۹)، حکمرانی را همان اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور در کلیه سطوح می‌دانند. به هر حال، حکمرانی در منابع طبیعی فرآیندی است که تعیین می‌نماید چه رفتاری در مورد استفاده از منابع طبیعی در یک حوزه مشخص، قابل قبول و چه رفتارهایی نامقبول است که تضمین این کار به‌وسیله خط‌مشی‌ها، قوانین و مقررات صورت می‌گیرد و همچنین به مدیریت منابع طبیعی و نیز ساختارها و فرآیندهایی که محیط اجتماعی و نهادی را برای اجرای مدیریت منابع طبیعی آماده می‌کند، اشاره دارد (حسینی و نوروزی، ۱۳۹۵).

هنگامی که واژه حکمرانی استفاده می‌شود باید به دو نکته توجه داشت: نخست اینکه، حکمرانی، حکومت‌داری نیست. حکمرانی یک مفهوم است؛ در واقع شامل مکانیزم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آنها گروداران، گروه‌ها و نهادهای مختلف، منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را اجرا، تعهداتشان را برآورده ساخته و تفاوت‌هایشان را تعدیل می‌کنند (یگانگی و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع حکمرانی، مجموعه سنت‌هایی است که تصدی‌گران در چارچوب آن‌ها بر نهادهای مختلف اعمال قدرت می‌نمایند (بهلولی و همکاران، ۱۳۹۶). در مدیریت منابع طبیعی نیز حکمرانی شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که گروداران به‌ویژه بهره‌برداران، حقوق قانونی خود را مطالبه کرده، با تعهدات خود آشنا شده و در مورد تفاوت‌ها یا اختلافات، با یکدیگر مواجه می‌شوند. در هر صورت، حکمرانی می‌تواند در چندین زمینه همچون حاکمیت بین‌المللی، حاکمیت ملی و حاکمیت محلی استفاده شود.

غالباً در مدیریت منابع طبیعی، حکمرانی سه گروه اصلی از گروداران را شامل می‌شود: مدیران بخش دولتی (به مفهوم حاکمیت)، بخش خصوصی و عموم مردم. لازم به ذکر است، در مدیریت منابع طبیعی، حکمرانی بر «فرآیند» تأکید دارد و مشخص می‌سازد که تصمیمات با توجه به روابط

صورت می‌گیرد (هارولد کونتز و همکاران، ۲۰۰۱). به هر حال، اصولاً مدیریت خود زیرمجموعه حکمرانی است.

در مقایسه حکومت<sup>۴</sup> و حکومت‌داری با حکمرانی، می‌توان حکومت را نظامی دانست که تحت آن یک کشور یا یک اجتماع اداره می‌شود. حکومت‌داری نیز ابزاری است که به وسیله آن سیاست‌های دولت مورد اعمال واقع می‌شوند و همین‌طور این نهاد خود سیاست‌گذار و تعیین‌کننده راهبردهای پیش روی کشور است. نوع حکومت‌داری و شکلی که کشور با آن اداره می‌شود، به نظام‌های سیاسی مختلف و نهادها و ابزارهایی بستگی دارد که مورد استفاده ایشان قرار می‌گیرد. این نهاد معمولاً از سه بخش یا قوه تشکیل می‌شود: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵). حکومت‌داری به طور خاص، به معنی حکمرانی از طریق اعمال اقتدار و نیز اداره امور کشور، آمده است. بنابراین حکومت‌داری «ساختار سازمان رسمی و جایگاه تصمیم‌گیری اقتدارمآبانه است» که در برگرفته شاخه‌های اجرایی و قانون‌گذاری کشور و نیز کسانی است که آن‌ها را کنترل می‌کنند؛ در مقابل حکمرانی کنش، شیوه یا سیستم اداره است که در آن مرزهای بین سازمان‌ها و بخش‌های عمومی و خصوصی در هم می‌روند (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۱).

تفاوت حکمرانی با حاکمیت<sup>۵</sup> در آن است که حاکمیت به معنی قدرت مطلق و فرمانروایی ترجمه شده است و در اصطلاح به قدرت عالی دولت اطلاق می‌شود که قانون‌گذار و اجراکننده قانون است و بالاتر از آن قدرتی نیست (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲). حکمرانی تلویحاً به معنی اقدام مشترک و بنابراین وجود اهداف مشترک، چارچوب‌های ارزشی و قواعد مشترک، تعامل پیوسته و خواست دستیابی به منفعت جمعی است که از طریق انجام اقدامات انفرادی حاکمیتی قابل حصول نیست (Rakodi، ۲۰۰۱).

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حاکمان و حکومت‌شوندگان و حکومت مربوط است. در این تعریف حکمرانی گسترده‌تر از حکومت است و حکومت یکی از مؤلفه‌های آن به شمار می‌آید. این تعریف تا حدی تایید این نکته است که هماهنگ‌سازی نظام‌های اجتماعی پیچیده و هدایت توسعه جامعه هیچگاه، تنها به عهده دولت نبوده، بلکه همواره مستلزم روابط متقابل میان طیف گروداران دولتی و غیردولتی بوده است (اجزاشکوهی و همکاران، ۱۳۹۳).

برای اداره امور عمومی دو پارادایم وجود دارد. در پارادایم نخست که حکومت نام دارد، مسئولیت تمام امور را بر عهده می‌گیرد. حکومت موظف است که تمام خدمات را برای مصرف جامعه مدنی و یا شهروندان فراهم کند. در پارادایم دوم که حکمرانی نام دارد، مسئولیت اداره عمومی میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از لوازم توسعه انسانی به شمار می‌روند. ضمن آنکه هر سه بخش مذکور در تعامل

ریشه حکمرانی، به کلمه یونانی kubernan (راهبری یا هدایت‌کردن) برمی‌گردد. کلمه‌ای که افلاطون آن را برای چگونگی هدایت یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به کلمه Gubernane تبدیل شده است که بر راندن، حکمروایی کردن یا راهبری دلالت دارد (کایر، ۱۳۸۶). مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل متحد<sup>۶</sup>، حکمرانی را مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور تعریف می‌کند که فرآیند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است و در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت کرده و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است (UN-Habitat، ۲۰۰۶).

حکمرانی، فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات است و بدین ترتیب، تحلیل حکمرانی بر روی بهره‌برداران رسمی در تصمیم‌گیری‌ها، اجرای تصمیمات، ساختارهای رسمی و غیررسمی متمرکز می‌شود. دولت یکی از گروداران است. سایر گروداران حکمرانی با توجه به وابستگی‌شان به سطوح مختلف نفوذ ایشان، متفاوت است. برای مثال در نواحی روستایی، سایر گروداران ممکن است، شامل زمین‌داران صاحب نفوذ، اتحادیه‌های کشاورزان روستایی، تعاونی‌ها، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای پژوهشی، رهبران مذهبی، نهادهای مالی، احزاب سیاسی، نظامیان و غیره باشند (کوهستانی و قاسمی، ۱۳۹۳).

بانک جهانی<sup>۷</sup> در سال ۲۰۰۰، حکمرانی را به معنای پیاده‌سازی سیاست‌ها و پایش دائمی سیاست‌های اجرایی عنوان کرده است. این امر توسط اعضای هیأت حاکمه یک سازمان انجام می‌شود و شامل مکانیزم‌هایی است که توازن قدرت اعضا را از طریق سیستم پاسخ‌گویی مناسب و وظایف اصلی آنها را برای افزایش موفقیت و ماندگاری سازمان، محقق کند. حکمرانی می‌تواند صرفاً یک فرآیند بوده یا هنجاری هدفمند باشد. حکمرانی متوجه ابعاد استراتژیک‌تر هدایت است؛ یعنی اتخاذ تصمیمات کلان‌تر در خصوص نحوه هدایت و نقش‌ها. به عبارت دیگر، حکمرانی فقط متوجه این سوال نیست که «به کجا برویم»؛ بلکه در پی پاسخ‌گویی به این سوالات نیز هست که چه کسی و با چه ظرفیتی باید در تصمیم‌گیری دخیل باشد (بهلولی و همکاران، ۱۳۹۶).

مدیریت، هنر انجام دادن کارها به واسطه دیگران با اقتصادی‌ترین روش است، بدین معنا که از کلیه منابع قابل دسترس برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، استفاده شود. در واقع مدیریت، فرآیند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول،

با یکدیگر قرار دارند، به گونه‌ای که ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آنها، تعادل اجتماعی را بر هم خواهد زد. لذا ایجاد ارتباط و تعادل لازم و تفکیک وظایف هر یک از این سه بخش، امکان بهتر زیستن را در یک جامعه مطلوب فراهم کرد (صدیق‌سروستانی و همکاران، ۱۳۸۶). به هر حال، حکمرانی خوب، به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به توسعه پایدار و اجرای سیاست‌های مؤثر می‌باشد

### حکمرانی خوب در منابع طبیعی: معیار و شاخص

حکمرانی منابع طبیعی بر فرآیندی تاکید دارد که تعیین و تعریف می‌کند چه رفتاری در مورد استفاده از منابع طبیعی در یک حوزه مشخص، قابل قبول، و چه رفتارهایی نامقبول است که تضمین این کار به وسیله خط مشی‌ها، قوانین و مقررات صورت می‌گیرد و به مدیریت منابع طبیعی و همچنین ساختارها و فرآیندهایی که محیط اجتماعی و نهادی را برای اجرای مدیریت منابع طبیعی آماده می‌کند، اشاره دارد (حسینی، ۱۳۹۵). الگوی حکمرانی خوب در منابع طبیعی، رویکردی است در جهت توسعه پایدار با سازوکار تعاملی میان بخش‌های دولتی، خصوصی، مدنی.

حکمرانی خوب ساختاری ایستا و قابل نسخه‌پیچی نیست؛ بلکه برآیندی از تعامل و برخاسته از کنش و واکنش‌های اجتماعی- نهادی- محیطی کلیه گردوداران است. همچنین این الگو باید تطبیقی باشد، یعنی براساس یادگیری از یکدیگر بوده و با شرایط اجتماعی- نهادی- محیطی و سایر پارامترهای موجود منطبق باشد. اجرای الگوی حکمرانی خوب باعث می‌شود دولت و حاکمیت از تصدی‌گر به هماهنگ‌کننده، تنظیم‌گر و تسهیل‌گر روابط تبدیل شده، مسیر فعالیت سایر بخش‌ها را هموار ساخته و مسائل و مشکلات مربوط به منابع طبیعی هر حوضه، مستقیماً توسط مردم آن حوضه، درک و در سریع‌ترین زمان، مشارکتی حل گردند (کلاهی، ۱۳۹۶).

در فرآیند ارزیابی حکمرانی خوب، بایستی هر نوع قضاوت و ارزشیابی، مبتنی بر معیارها و شاخص‌های معین باشد. حکمرانی خوب در زمینه منابع طبیعی نیز از این قاعده عمومی مهم، مستثنی نیست. شاخص‌ها کمک می‌کنند تا روندها اندازه‌گیری شده، تغییرات برجسته شوند و ارزیابی‌ها مورد حمایت قرار گیرند. این شاخص‌ها درکی را مطرح می‌کنند که چگونه اقدامات انسانی بر مؤلفه‌های مختلف حکمرانی و نهایتاً پایداری (اقتصادی، محیط‌زیستی، اجتماعی) اثر می‌گذارد (خزائی و همکاران، ۱۳۸۵). معیارها و شاخص‌ها، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های آگاهانه در همه سطوح دارند. اساساً بدون سنجش‌های به نام معیار و یا شاخص، ارزیابی امکان‌پذیر نیست

(Newig و Fritsch، ۲۰۰۸). حکمرانی خوب بر مشارکت عمیق و دموکراتیک شهروندان تمرکز دارد و ایده پشتیبان آن این است که شهروندان باید نقش مستقیم‌تری را در تصمیمات عمومی داشته باشند، یا حداقل با مسائل سیاسی عمیق‌تر دخیل شوند. در عمل، این نوع حکمرانی، باید مکمل نقش شهروندان، به عنوان رأی‌دهنده و ناظر کارکردهای دولت باشد (Fischer، ۲۰۱۲).

و هرگونه بررسی و شناخت واقعی از طریق ابزار ارزیابی نیاز به تدوین معیار و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت وضعیت دارد.

پس شاخص، یکی از اجزای ضروری برای ارزیابی کلی میزان پیشرفت به سوی پایداری است و یک معیار برای مرور اطلاعات مربوط به یک پدیده خاص یا یک نشانگر مستقل برای سنجش آن پدیده است (ثقفی اصل و همکاران، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، شاخص عبارت است از سازوکار مناسب برای معرفی و سنجش یک پدیده (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲). به بیانی دیگر، زمانی که بتوان معیارها را کمی (قابل اندازه‌گیری) نمود، می‌توان آن‌ها را شاخص نامید.

نهادهای بین‌المللی و کارشناسان آن‌ها برای حکمرانی خوب معیارهایی ذکر نموده‌اند تا از این طریق، کشورهای جهان را ارزیابی کنند که آیا حکمرانان کشورهای در حال توسعه، امور جامعه‌شان را بر اساس این الگو اداره می‌کنند یا خیر؟ اگر کشوری مطابق این شاخص‌ها عمل کند مطابق این الگو موفق بوده و در نتیجه، از کمک‌ها و حمایت‌های جهانی و نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، برنامه توسعه ملل متحد و صندوق بین‌المللی پول برخوردار می‌شود. اما اگر مطابق این معیارها عمل نکند از این حمایت‌ها و کمک‌ها محروم خواهد شد. بانک جهانی برای آنکه مشخص کند در کدام کشور، حکمرانی ملاک عمل قرار می‌گیرد و کدام کشور از آن استفاده نمی‌کند، برخی معیارها را ذکر نموده است. بر اساس سندی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ انتشار داد، حکمرانی خوب دارای شش معیار است: پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد (Arndt، ۲۰۰۸). بر اساس اعلام بانک جهانی، هر قدر کشوری به این شاخص‌ها نزدیک‌تر باشد، آن کشور از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردار بوده، رشد بخش خصوصی مؤثرتری خواهد داشت، همچنین میزان مرگ‌ومیر در آن کاهش و ورود سرمایه خارجی، افزایش می‌یابد (پورآقایی، ۱۳۸۳). بالعکس، هر قدر کشوری با این شاخص فاصله داشته باشد، به همان اندازه رشد اقتصادی کاهش خواهد داشت. در این بخش جهت شناسایی معیارهای مطلوب حکمرانی خوب، تحقیقات پژوهشگران مختلف در ایران، مورد مطالعه قرار گرفته و در جدول (۱) دسته‌بندی شده است.

جدول ۱- معیارهای حکمرانی خوب برگرفته از مرور تحقیقات مختلف

متغیرهای احصا شده	پژوهش
شفاف سازی، پاسخگویی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، نتیجه‌گرایی و ظرفیت‌سازی	حمزه‌ئی و همکاران، ۱۳۹۲
مشارکتی، دارای شفافیت، اجماع‌محوری، حاکمیت‌قانون، جامعیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی	شریفی، ۱۳۹۴
مشارکت، شفافیت، پاسخ‌گویی، اثربخشی و کارایی، حاکمیت قانون	شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲
مشارکتی، اجماع‌محوری، مسئولیت‌پذیر، شفاف، پاسخگو، اثربخش و کارا، منصفانه و همه‌گیر و پیرو حکومت قانون	کمالی، ۱۳۸۸
مشارکت ذینفعان، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در برابر پیامدهای تصمیمات، قانون‌مداری، شفافیت و دسترسی جامعه هدف به اطلاعات	طالبی‌نیا، ۱۳۹۴
مشارکت و قدرت شهروندان در مدیریت، قانون‌مداری مدیریت شهری، شفاف‌سازی اطلاعات، انعطاف‌پذیری عملکرد و قوانین، وفاق‌محوری (اجماع‌سازی)، کنترل فساد، عدالت و انصاف، تمرکززدایی، تفویض اختیارات، شهروندمداری، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، کارایی و اثربخشی، ظرفیت‌سازی نهادی و سازمانی، اعتمادسازی، بینش راهبردی، آگاهی و اطلاع‌رسانی	رستمی و همکاران، ۱۳۹۴
نتیجه‌گرایی، اثربخشی در وظایف و نقش‌ها، ارتقای ارزش‌ها، شفافیت، ظرفیت‌سازی، پاسخ‌گویی	طاهری‌عطار و همکاران، ۱۳۹۶
مشارکت عوامل و بازیگران غیردولتی، همکاری بخش عمومی و خصوص، تمرکززدایی، انعطاف‌پذیری	زارعی و همکاران، ۱۳۹۶
پاسخ‌گویی دولت و حق اظهارنظر مردم، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، مهار فساد	یوسفی‌شیخرباط و بابایی، ۱۳۹۴
کنترل فساد، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت	مقیمی و همکاران، ۱۳۹۵
مشارکت، پذیرا و پاسخگو، اثربخش، مسئول و پاسخگو، شفاف، قانون‌مند، توافقی، عدالت، بینش راهبردی، تمرکززدا	اجزاشکوهی و همکاران، ۱۳۹۳
مشارکت، اثربخشی و کارایی، اجماع، عدالت‌جویی، پاسخ‌گویی، شفافیت، قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری	اکبری و همکاران، ۱۳۹۵
حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد	کوهستانی و قاسمی، ۱۳۹۳
مشارکت‌جو، قانون‌محوری، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اجتماع‌محوری، عدالت‌جویی، کارایی و اثربخشی، پاسخ‌گویی، آزادی بیان، برابری و قواعد قانونی	ابراهیم‌پور و خلیلی، ۱۳۸۹
حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، عدم خشونت، کارایی و اثربخشی دولت، بار مالی مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد	رزمی و همکاران، ۱۳۹۴
توسعه‌گرایی و تعالی پایدار، مشارکت‌جویی و شراکت‌گرایی، ارزش‌گرایی، قانون‌گرایی، عدالت‌جویی، پاسخ‌گویی	یگانگی و همکاران، ۱۳۹۵
قدرت پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد	لشکری‌زاده و اشرفی، ۱۳۹۰
مشارکت، اثربخشی و کارایی، پذیرا و پاسخگو بودن، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، قانون‌مندی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی	رضوی‌زاده، ۱۳۹۵
حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد	زاینده‌رودی و همکاران، ۱۳۹۶
مشارکتی بودن، اجماع‌محوری، پاسخ‌گویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان، حاکمیت قانون	یزدانی زازرانی، ۱۳۹۱
شفافیت، پاسخ‌گویی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری	حیدری سرنقی، ۱۳۹۶
حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد	معینی‌فرد و مهرآرا، ۱۳۹۴
حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، مهار فساد	حسینی‌تاش و واثق، ۱۳۹۳

تفاوت‌گذاری میان معیار و شاخص بسیار نزدیک به یکدیگر می‌باشند. معیار، یک اصل یا استاندارد است که چیزی به وسیله آن، قضاوت می‌شود. معیار می‌تواند به عنوان اصل درجه دوم در نظر گرفته شود که معنی و قابلیت عملی بودن به آن اصل می‌دهد؛ بدون اینکه خودش سنجش مستقیمی از عملکرد انجام دهد. معیارها نقاط حد واسط هستند که اطلاعات فراهم شده به وسیله شاخص‌ها می‌تواند در این نقاط تلفیق شود. علاوه بر اینکه معیارها به عنوان اصل درجه دوم در نظر گرفته می‌شوند، با آنها به عنوان بازتاب‌کننده دانش رفتار می‌شود. در اینجا، دانش، تجمع اطلاعات مربوط در یک دوره طولانی مدت از زمان می‌باشد (خزائی و همکاران، ۱۳۸۵). شاخص<sup>۷</sup> نیز متغیر یا مؤلفه‌ای است که برای استخراج وضعیت یک معیار ویژه به کار گرفته می‌شود. شاخص‌ها باید حامل یک تک‌پیام معنی‌دار باشند. این تک‌پیام، اطلاعات نامیده می‌شود. به هر حال، تک‌پیام، تجمعی از یک یا چند داده از مولفه‌های دارای ارتباطات معین می‌باشد. لازم به یادآوری است، هر شاخصی که شناسایی می‌شود، باید قابل اندازه‌گیری و سنجش باشد و چنانچه نتوان شاخص را اندازه‌گیری کرد، عملاً نمی‌توان از آن استفاده کرد. هر شاخص می‌تواند از نظر نوع و ماهیت در چهار دسته کارایی، اثربخشی، بهره‌وری و سودآوری و از نظر جنس به دسته‌هایی مثل کیفیت، هزینه، زمان، تحویل، انعطاف‌پذیری، درصد، عدد، نسبت و... تقسیم شود.

طبق جدول (۱)، اگر بتوان برای معیارهای مزبور، شاخص‌های مناسبی در نظر گرفت، آنگاه می‌توان حکمرانی خوب را با کمک پرسش‌نامه دارای طیف لیکرت یا بر اساس نظرات خبرگان اندازه‌گیری نمود. با توجه به دیدگاه‌های مزبور در جدول (۱)، جمع‌بندی معیارهایی که خبرگان درباره آن‌ها اتفاق نظر دارند، در جدول (۲) ارائه شده‌اند. با توجه به سابقه مطالعات، در پژوهش حاضر، ابعاد و معیارهای حکمرانی خوب پیشنهادی در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- نمودار معیارهای حکمرانی خوب

(یافته‌های پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای)

ردیف	بُعد	معیار حکمرانی خوب
۱	اطلاعاتی	شفافیت
۲	اجرایی	پاسخ‌گویی
۳	فنی	عملکرد
۴	حقوقی	برابری، عدالت و انصاف
۵	سیاستی	سیاست‌گذاری صحیح
۶	فرهنگی	ظرفیت‌سازی
۷	اقتصادی-مالی	منابع مالی قانونی
۸	اجتماعی	همکاری
۹	محیطی	پایداری

جدول ۲- معیارهای منتخب حکمرانی خوب

معیار	توضیحات
شفافیت	شفافیت به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن، برای تمامی گروه‌داران مربوطه است. اطلاعات باید به اندازه کافی و به صورت قابل فهم در دسترس باشند و از طرف دیگر اتخاذ تصمیمات و اجرای آن‌ها از قوانین و مقررات مشخصی پیروی کند.
بینش راهبردی	فرا رفتن از مسائل روزمره و پرهیز از غرق شدن در آن‌ها، مستلزم بینشی گسترده و درازمدت نسبت به آینده یا داشتن بینش راهبردی در زمینه توسعه است.
پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری	پاسخ‌گویی یک امر حیاتی برای مسأله حکمرانی خوب در منابع طبیعی است. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌ها و جامعه مدنی، باید نسبت به عموم مردم و همه افراد گروه‌دار، پاسخگو باشند. به طور کلی یک نهاد یا سازمان نسبت به کسانی که در ارتباط مستقیم با تصمیمات آن‌ها قرار دارند، پاسخگو خواهد بود. لازم به ذکر است، پاسخ‌گویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون قابل اجرا نیست. مجموعه این شاخص‌ها را می‌توان به عنوان دستورالعملی برای تعامل هرچه بهتر سه بخش دولت، بخش خصوصی (بازار) و جامعه به معنای نوین آن، تلقی کرد. از طرف دیگر، حکمرانی خوب نیازمند این است که نهادها و فرآیندهای تصمیم‌گیری در یک چارچوب زمانی منطقی به همه گروه‌داران آن، خدمات لازم را ارائه دهند. نیل به این هدف، تنها زمانی امکان‌پذیر است که نهادهای تصمیم‌گیر نسبت به تأمین خواسته‌ها و تمایلات افراد، احساس مسوولیت داشته باشند.
کارایی و اثربخشی	حکمرانی خوب به دنبال آن است که نهادها و سازمان‌های تصمیم‌گیرنده همیشه نیازهای مردم را در نظر داشته باشند و از منابع موجود به صورت کارا استفاده کنند. مفهوم کارایی در ارتباط با حکمرانی خوب به معنی استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست نیز خواهد بود. در نتیجه، موضوع بهترین استفاده از منابع با حکمرانی، ارتباط مستقیم دارد.
برابری و عدالت	در حکمرانی خوب همه افراد باید از فرصت‌های برابر، برخوردار باشند. رفاه یک جامعه، وابسته به تضمین این امر است که همه اعضای آن احساس کنند در آن جامعه سهم هستند. برای تحقق این امر همه گروه‌های آسیب‌پذیر باید از حمایت‌های لازم برای افزایش توانمندی‌های خود برخوردار باشند.
حاکمیت قانون	برقراری سیستم حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی عادلانه و منصفی است که از ویژگی بی‌طرفانه بودن برخوردار است. در این چارچوب باید از حقوق کلیه افراد، مخصوصاً حقوق محرومان و غایبان محافظت به عمل آید. اجرای این‌گونه قوانین در یک فضای بی‌طرفانه و مبتنی بر انعطاف، نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی مجریه بی‌طرف و عاری از فساد است.
سیاست‌گذاری صحیح	سیاست‌گذاری، طراحی و برنامه‌ریزی روش‌ها و راه‌هایی برای دستیابی به اهداف معین در زمینه‌های مشخص می‌باشد. سیاست‌گذاری صحیح یا طراحی سازوکار به معنای ایجاد یک فضای درست برای حرکت عوامل اقتصادی و اجتماعی به سمت وضعیت مطلوب از منظر سیاست‌گذار است.
ظرفیت‌سازی	ظرفیت‌سازی به معنی ارتقای توانایی افراد، سازمان‌ها و جوامع محلی برای انجام وظایف، حل مسائل، تدوین و دستیابی به اهداف است. ظرفیت‌سازی به معنای توسعه نهادی، سازمانی، مدیریتی، فناوری، فرهنگی، توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های فردی است که افراد، سازمان‌ها و جوامع را قادر می‌سازد، مسائل خود را حل نموده و حتی از آن فراتر نیز بروند.
روابط (همکاری و مشارکت)	مشارکت به معنی حضور همه مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف است که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نمایندگان و نهادهای واسطه‌ای قانونی و مشروع تحقق می‌یابد. مباحث مشارکت غالباً مبتنی بر وجود آزادی بیان و حق اظهارنظر همه افراد جامعه در حوزه‌های مختلف سیاسی و امنیتی خواهد بود. البته این امر لزوماً به معنی آن نیست که تمایلات، خواسته‌ها و نگرانی‌های تک‌تک افراد جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بلکه منظور مشارکت حداکثری است که از طریق مکانیسم‌های خاص خود تحقق پیدا می‌کند. بنابراین ویژگی اصلی مشارکت همانا آزادی همه مردم در ابراز نظرات و دیدگاه‌های خود است که این امر در مرحله اجرا، نیازمند ابزارهای خاصی از جمله رسانه‌های آزاد و نهادهای مدنی مستقل است.
پایداری	حکمرانی به معنی توزیع قدرت بین بخش‌های مختلف اجتماعی و دخالت دادن آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی است. این بخش‌ها عبارتند از بخش دولتی، خصوصی و نهادهای مدنی. در این زمینه، پایداری به معنی توسعه متوازن و متناسب در سه بعد اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیکی است. در نتیجه حکمرانی خوب مبتنی بر تحقق تناسب توأم بین بخش‌ها و ابعاد سه‌گانه است.

و قابل اعتماد باشد. گروداران اثربخش بودن کارایی دولت را درک کرده باشند.

- دولتی که اداره امور کشور را در دست دارد، از پشتوانه انتخاب و اعتماد مردمی برخوردار باشد. به عبارت دیگر، قدرت خود را بر اساس نوعی قرارداد اجتماعی کسب کرده باشد.
- دولت زمینه‌های ظرفیت‌سازی و توانمندی گروداران را فراهم نماید.
- دستگاه قضایی کارآمدی مطلوبی داشته و بتواند زمینه‌های برقراری انصاف و عدالت را در جامعه فراهم و نهادینه کند.
- رژیم سیاسی حاکم و قوانین ثابت کافی داشته باشد.
- روابط متقابل همکاری میان مردم و دولت برقرار باشد.
- بی‌طرفی، کارآمدی و شفافیت در دستگاه‌ها حکم‌فرما باشد.

#### پی‌نوشت

- 1- Governance
- 2- UN-Habitat
- 3- World Bank
- 4- Government
- 5- Sovereignty
- 6- Criteria
- 7- Indicator
- 8- Likert scale

اولین کنفرانس ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، تهران، وزارت کشور.

بهلولی، ن. خداوردی‌زاده، ق. و صبوحی لکی، ب. ۱۳۹۶. حکمرانی خوب، کلید توسعه جوامع، چهارمین کنگره بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مطالعات مدیریت، حسابداری و اقتصاد. شیراز. موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.

پورآقایی، س. ۱۳۸۳. شاخص‌های حکمرانی به روایت بانک جهانی. گزارش، ۱۵۴: ۶۱-۶۳.

ثقفی‌اصل، آ. زبردست، ا. و ماجدی، ح. ۱۳۹۲. شناسایی و اولویت‌بندی معیارها و شاخص‌های موثر در فرآیند تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران. فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۷(۱۳): ۱۸۳-۱۹۷.

حسینی‌تاش، س.ع. و واثق، ق.ع. ۱۳۹۳. حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته، بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۸: ۷-۲۸.

بحث‌های اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای در اکثر زمینه‌ها بویژه در مسائل و مشکلات مربوط به منابع طبیعی برخوردارند. به عبارت دیگر، عمده مشکلات منابع طبیعی، ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با مباحث اجتماعی دارد. تأثیر متقابل دو بعد اجتماعی و طبیعی (بدون دخالت بشر) در یکدیگر می‌تواند به موضوع حکمرانی خوب در منابع طبیعی کمک نماید که همواره در جستجوی کشف میزان تأثیرگذاری این مهم برای حل مشکلات به وجود آمده می‌باشد. بررسی و شناخت و همراه کردن گروداران با اهداف و حکمرانی خوب در هر زمینه‌ای به عنوان یک هدف ارزشی، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ چرا که این موضوع از ابعاد مهم و اصلی اجرای برنامه‌های مصوب محسوب می‌شود و در زمینه منابع طبیعی وجود حکمرانی خوب بهترین راهکار می‌باشد.

در یک جمع‌بندی کلی، مهمترین نکات مورد توجه در ایده «حکمرانی خوب» را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

- دولت اصل شفافیت را در اولویت‌های خود قرار دهد. فرآیند قانون‌گذاری و نیز عملکرد دولت شفافیت قابل قبولی داشته باشد.
- خدمات مورد نیاز جامعه به صورت مطلوب توسط دولت تأمین گردد و دولت در برابر مشکلات و خواسته‌های مردم پاسخگو و مسئولیت‌پذیر باشد.
- نظام اداری که اراده دولت از طریق آن اعمال می‌شود، کارآمد

#### منابع

ابراهیم‌پور، ح. و خلیلی، ح. ۱۳۸۹. از حکمرانی خوب تا حکمرانی پایدار. هشتمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران، گروه پژوهشی آریانا.

اجزا شکوهی، م. رهنما، م.ر. و گوهری قاسم‌پور، ن. ۱۳۹۳. مطالعه تطبیقی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران. ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی. مشهد. شورای اسلامی شهر مشهد.

اکبری، س. غلامی، ز. و تقوی، م.ع. ۱۳۹۵. تأملی در باب نقش «حکمرانی خوب» برای تحقق زندگی مطلوب در سیره امام علی (ع). معرفت سیاسی، ۸(۱): ۹۹-۱۱۴.

ایمانی، م.، جلیوند، ح. و زنده‌بصری، ح. ۱۳۹۱. بررسی مهمترین شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی در جنگل‌های چهارمحال و بختیاری، مطالعه موردی: سامان عرفی کلگچی لردگان.



حسینی، س. و ک. نوروزی، م. ۱۳۹۵. ضرورت حکمرانی منابع طبیعی با تأکید بر نفت و گاز در ایران: تبیین نظریات و بررسی تجارب، ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، ۱۳۳: ۹-۱۶.

حمزه‌ئی، م.، برادران، م. م. و هاتفی، ف. ۱۳۹۲. حکمرانی خوب در شهرداری مشهد. پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. مشهد، شورای اسلامی شهر مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

حیدری سرنقی، ف. ۱۳۹۶. بررسی رابطه حکمرانی خوب با سرمایه اجتماعی. کنفرانس سالانه پارادایم‌های نوین مدیریت در حوزه هوشمندی. تهران. دانشگاه تهران.

خزائی، ح.، فلاح، ا. و نوری، ز. ۱۳۸۵. شاخص‌ها و معیارهای مدیریت پایدار جنگل. همایش منابع طبیعی و توسعه پایدار در عرصه‌های جنوبی دریای خزر. نور. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور.

رزمی، م. ج.، صدیقی، س. و رضاییان، س. ۱۳۹۴. الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی. اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، ۴(۲): ۵۱-۷۵.

رستمی، م.، زنگی‌شاهی، س. و نوروزی‌نژاد، س. ۱۳۹۴. راهبرد حکمروایی خوب و مدیریت مشارکتی شهری بافت مرکزی شهر کرمانشاه. هفتمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر راهبردهای توسعه شهری. مشهد. شورای اسلامی شهر مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

رضوی‌زاده، ا. ۱۳۹۵. بررسی تأثیر حکمروایی خوب شهری بر کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر مرند). سومین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی ایران. تهران. انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

زارعی، م. ج.، حسنوند، م. و سلمانی‌سبینی، م. ۱۳۹۶. مفهوم حکمرانی تنظیمی. فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، ۱(۱): ۱۲۴-۱۴۷.

زاینده‌رودی، م. خسروآبادی، م. و شکیبایی، ع. ۱۳۹۶. بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با به‌کارگیری پانل داده‌ها (مطالعه موردی: کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا). پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)، ۱۷(۳): ۲۵-۵۲.

شریف‌زاده، ف. قلی‌پور، ر. ۱۳۸۲. حکمرانی خوب و نقش دولت. مدیریت فرهنگ سازمانی (فرهنگ مدیریت)، ۱(۴): ۹۳-۱۰۹.

شریفی، ع. ۱۳۹۴. حکمرانی خوب در مدیریت دولتی (اداره امور عمومی). اولین کنفرانس سالانه بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی. شیراز.

صدیق‌روستانی، ر.، ایمانی‌جاجرمی، ح.، فیروزآبادی، ا. ۱۳۸۶.

تحلیل مدل‌های حکمرانی شهری در انتخابات سومین دوره شورای اسلامی شهر تهران. رفاه اجتماعی، ۷(۲۶): ۳۴-۹.

طالبی‌نیا، م. ۱۳۹۴. حکمرانی مشارکتی و کنترل بحران خشکی زاینده‌رود، دومین همایش ملی آب، انسان، زمین. اصفهان. شرکت توسعه سازان گردشگری اصفهان.

طاهری‌عطاری، غ.، نائینی، م. ا.، سید صالحی، س. و خضری، ا. ۱۳۹۶. رهبری اخلاقی تسهیل‌گر تحقق حکمرانی خوبی (مورد مطالعه: شهرداری تهران). فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی، ۶(۱): ۱۱۵-۱۳۰.

کایر، آ. م. ۱۳۸۶. حاکمیت (مفاهیم کلیدی)، ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی. تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

کلاهی، م. ۱۳۹۶. جدی‌ترین مسأله مدیریت آب و محیط‌زیست ایران، اولین اجلاس «هم‌اندیشی با متخصصان علوم آب و محیط‌زیست». وزارت نیرو.

کمالی، ی. ۱۳۸۸. حکمرانی خوب چیست؟. ماهنامه تدبیر، ۲۰۶: ۲۰-۲۲.

کوهستانی، ح. و قاسمی، ن. ۱۳۹۳. نقش حکمرانی خوب در مدیریت توسعه روستایی پایدار، اولین همایش ملی توسعه پایدار روستایی در افق ۱۴۰۴، اصفهان. شرکت توسعه سازان گردشگری اصفهان.

لشکری‌زاده، م. و اشرفی، م. ع. ۱۳۹۰. بررسی اثر حکمرانی خوب بر کیفیت زیست‌محیطی در کشورهای در حال توسعه، اولین همایش بین‌المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار. مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

معینی‌فرد، م. و مهرآرا، م. ۱۳۹۴. تأثیر وفور منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی کشورهای در حال توسعه. سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، ۳(۹): ۹-۳۲.

مقیمی، س. م.، پورعزت، ا. ا.، دانایی‌فرد، ح. و احمدی، ح. ۱۳۹۵. طراحی و تبیین مدل بودجه‌بندی براساس شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران. مدیریت دولتی، ۸(۴): ۶۴۵-۶۶۴.

هارولد کونتز و همکاران. ۱۳۸۰. اصول مدیریت، ترجمه محمدهادی چمران. چاپ سوم. ناشر دانشگاه صنعتی شریف. شابک ۵-۶۰-۶۳۷۹-۹۶۴-۵۲۲ ص.

یزدانی زازرانی، م. ۱۳۹۱. بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست‌گذاری عمومی. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۲(۴): ۱۰۹-۱۴۲.

یگانگی، س. ع.، الوانی، س. م. و معمارزاده طهران، غ. ۱۳۹۵. اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب در سازمان‌های کارا (مطالعه موردی: شعب بانک رفاه استان قزوین). خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت (رسالت مدیریت دولتی)، ۱(۱): ۱-۹.

- UFZ-Discussion Papers. 15/2008 – GoverNAt 8, November 2008. Editor: Helmholtz Centre for Environmental Research – UFZ Permoserstraße 15, 04318 Leipzig/Germany. ISSN 1436-140X.
- Rakodi C. 2001. Forget Planning, Put Politics First? Priorities for Urban Management in Developing Countries. *International Journal of Applied Earth Observation and Geoinformation*, 3(3): 209-223.
- Khandakar E. 2009. UNDP on good governance. *International Journal of Social Economics*, 36: 1167-1180. 10.1108/03068290910996981.
- UN-Habitat. 2006. Global campaign on urban Governance concept paper, 2nd Edition, Nairobi.
- یوسفی شیخ رباط، م. و بابایی، ف. ۱۳۹۴. طراحی مدل حکمرانی خوب براساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۵(۵۷): ۳۱-۶۲.
- Arndt C. 2008. The politics of governance ratings. *International Public Management Journal*, 11(3), 275-297.
- Fischer F. 2012. Participatory Governance: From Theory To Practice. *The Oxford Handbook of Governance*. DOI: 10.1093/oxford-hb/9780199560530.001.0001
- Newig J. and Fritsch O. 2008. Environmental Governance: Participatory, Multi-level – and Effective?,